

بررسی تفسیری گستره معنوی افساد فی الارض نسبت به جرائم غیرامنیتی در آیات قرآن از منظر فریقین

امید گندمی

سطح ۴، فقه و اصول، استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، ایران

چکیده

ماده «ف س د» بالغ بر ۵۰ بار در قرآن کریم استعمال شده است. در اکثر موارد ماده فسد همراه با قید فی الارض آورده شده است. اما به صراحت حکم جزایی خاصی در مورد آن ذکر نشده است. لذا در این خصوص میان فقها اختلاف وجود دارد که آیا گستره معنوی افساد فی الارض صرفاً شامل جرائم امنیتی است یا شامل جرائم غیرامنیتی نیز می‌شود؟ رسیدن به این مطلب مرهون یک بحث تفسیری در باب ظهور معنوی افساد فی الارض در آیات قرآن از منظر فریقین می‌باشد. روش داده پردازی به صورت توصیف و تحلیل بوده است. یافته‌های این تحقیق بدین شرح است که باتوجه به نظر مفسرین فریقین آیات افساد فی الارض دو مطلب مفاهیم و مصادیق را باید بررسی نمود. مفاهیم آیات افساد به چهار دسته که بعد اقتصادی، سیاسی-امنیتی، اخلاقی-تربیتی و دینی-اعتقادی تقسیم می‌شود که از آیات مفهوم می‌باشد. مصادیق نیز به شیعه و اهل تسنن ذیل پنج آیه سوره بقره در معنی افساد فی الارض اثبات شده است که ظهور معنایی افساد فی الارض محدود به جرائم امنیتی نیست بلکه بسیار گسترده تر است و شامل جرائم اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی مانند: برپایی مراکز فساد و فحشاء، از بین بردن کشاورزی، از بین بردن نسل، ایجاد فتنه، از بین بردن اعتقادات مردم و ... نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: افساد فی الارض، اقتصادی، امنیتی، اخلاقی تربیتی

مقدمه

عصر حاضر یکی از جرم خیزترین اعصار انسانی است که این جرائم هر کدام تحت عناوینی خاص قرار داده شده اند. اسلام نیز جرائمی برشمرده است و مجازات به خصوص آنها را در قالب حدود و بعضی از تعزیرات بیان نموده است. بعضی جرائم هستند که به حسب ظاهر تحت هیچکدام از جرائمی که در کتب فقهی واقع شده است، واقع نمی‌شوند مثل جرائم غیر امنیتی. در این بین بحثی بین فقها عنوان شده است که آیا افساد فی الارض باتوجه به ادله، آنقدر گستردگی و کشش معنایی دارد که یک جرائم غیر امنیتی را نیز شامل شود یا خیر؟

این تحقیق بر آن است که در قلمرو تفسیری شیعه و سنی به بررسی این مهم بپردازد.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که پشتوانه محکمی برای مواد حقوقی مربوط به افساد فی الارض می‌باشد و بسیاری از شبهات و اشکالات حقوق بشری ای که به این عنوان وارد شده است را حداقل در اذهان مسلمانان برطرف می‌کند. موضوع افساد فی الارض از زمان قدمایی مثل شیخ طوسی (ره) و ابوالصلاح حلبی (ره) معنون بوده است و پس پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین کتب حقوقی و فقهی و کرسی های تدریس درس خارج فقه بیشتر به آن پرداخته شده است. در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ افساد فی الارض، عنوان مجرمانه مستقل و گسترده آن شامل موارد غیر امنیتی نیز می‌باشد.

پیشینه

برخی از فقیهان در ضمن بحث از جرائمی نظیر به آتش کشیدن منازل، تکرار قتل بردگان و غیر مسلمانان و... متعرض عنوان افساد شده و مرتکبان اعمال مزبور را به عنوان مفسد فی الارض مستحق مجازات قتل یا قطع دانسته اند. (بای، ۱۳۸۵) یکی از مصادیق مفسد فی الارض پخش کنندگان فیلم‌های مستهجن می‌باشد. (مدرسی یزدی، ۱۳۷۸).

کتاب «افساد فی الارض» نوشته رضا شمس الدین وندی و کتاب «افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه» به قلم مهدی نعنکار و کتاب «افساد فی الارض از منظر فقه شیعه و قوانین جزائی ایران»

مقاله افساد فی الارض ابهام مفهومی، مفسد عملی به قلم محسن برهانی.

مقالات و پایان نامه های مختلفی با عنوان «افساد فی الارض» به رشته تحریر در آمده است.

نوآوری

تمام کتب و نوشتارهایی که در باب افساد فی الارض نوشته شده است به بحث مفهوم افساد فی الارض و حکم آن و تفاوت آن با محاربه پرداخته اند. لکن تحقیقی دیده نشد که در آن به واکاوی گستره معنوی افساد فی الارض نسبت به جرائم غیرامنیتی به روش تفسیری پرداخته باشد. مقالات و پایان نامه هایی که به بررسی آیات افساد فی الارض پرداخته اند نیز به صورت ناقص بوده و تعداد کمی از آیات را بررسی نموده اند. ضمناً در این مقالاتی بررسی های آیات معمولاً محدود به تفاسیر شیعه بوده است. در این مقاله از روش تفسیر قرآن استفاده شده تا یک مشکل بزرگ فقهی، حل شود. این سه نکته، جهاتی است که نوآوری مهم نوشتار حاضر است.

روش تحقیق

همچنین روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت اسناد نوشتاری، سامانه های رایانه ای، نرم افزارهای علمی و سایتهای اینترنتی می باشد. ضمناً روش داده پردازی به صورت توصیف و تحلیل بوده است.

مبانی نظری

معنای لغوی افساد

ریشه ف س د حدود ۵۰ بار در قرآن ذکر شده است و در بیشتر آیات با قید فی الارض مطرح شده است. نسبت به معنای لغوی آن باید گفت: خلیل بن احمد و ابن درید معتقدند که فساد، نقیض صلاح است (فراهیدی، ۱۴۰۹) ازهری و ابن منظور نیز همین را می‌گویند و اضافه می‌کنند آیه "یسعون فی الارض فساداً" یعنی "یسعون فی الارض للفساد" یعنی "فساداً" مفعول له می‌باشد. بعضی گفتند خروج شیء از اعتدال را گویند. (ازهری، ۱۴۲۱ق؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

معنی اصطلاحی افساد

لفظ «إفساد فی الأرض» در قرآن کریم و روایات اسلامی به کار رفته است، اما در فقه تعریفی واحد و مشخص برای آن ارائه نشده است. فقهای شیعه در کتب فقهی خود به طور پراکنده به این مفهوم اشاره کرده‌اند و برخی از جرایم را با عنوان «إفساد فی الأرض» معرفی و مجازات آنها را مرگ دانسته‌اند.

عدم وجود تعریف واحد

یکی از چالش‌های اصلی در مورد مفهوم «إفساد فی الأرض» در فقه شیعه، فقدان یک تعریف واحد و جامع برای آن است. فقهای مختلف تعاریف متعددی از این مفهوم ارائه کرده‌اند که تا حدودی با یکدیگر متفاوت هستند.

مصادیق «إفساد فی الأرض» در فقه

با وجود عدم وجود تعریف واحد، فقها مصادیق متعددی را برای «إفساد فی الأرض» برشمرده‌اند. برخی از این مصادیق عبارتند از:

- زورگیری: مفید در کتاب "الارشاد" زورگیری را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق)
- دزدیدن و فروختن انسان آزاد: طوسی در کتاب "النهایه" دزدیدن و فروختن انسان آزاد را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (طوسی، ۱۴۰۰ق)
- نبش قبر: حلی در کتاب "السرائر" نبش قبر را در صورتی که دو بار تکرار شود، از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق)
- دزدیدن و فروختن طفل حر صغیر: حلی در کتاب "قواعد" دزدیدن و فروختن طفل حر صغیر را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق)
- فروختن زن آزاد: ابوالصلاح حلبی، فروختن زن آزاد، چه زن خود فرد و چه زن دیگری، را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (حلبی، ۱۴۰۳ق)
- آتش‌سوزی در خانه: حلی در کتاب "مختلف الشیعه" آتش‌سوزی در خانه افراد به گونه‌ای که خانه و اشیای درون آن بسوزد را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند. (حلی، ۱۴۱۳ق)
- قتل اهل ذمه: حلبی (حلبی، ۱۴۰۳ق)، قتل اهل ذمه به طور عادت را از مصادیق «إفساد فی الأرض» دانسته و مجازات آن را مرگ می‌داند.

فقدان تعریف واحد و جامع برای «إفساد فی الأرض» در فقه، ابهامات و چالش‌هایی را در مورد مصادیق و مجازات این جرم به وجود آورده است. برخی از فقها معتقدند که این مفهوم باید در چارچوبی دقیق‌تر تعریف شود و مصادیق آن به طور مشخص و روشن بیان گردد. همچنین، تعیین مجازات متناسب با جرم ارتكابی و پرهیز از اطلاق احکام سنگین مانند مرگ برای جرایمی که ضرر و زیان کمتری دارند، ضروری به نظر می‌رسد.

مراد از ارض

مقصود از زمین در «وایسعون فی الارض فساداً» «مکان زندگی» انسانی است که خون او محترم است، زیرا اگر مراد از زمین خصوص خشکی در مقابل دریا باشد، راهزنان دریای مشمول این آیه نمی‌شوند و چنانچه مقصود زمین در برابر فضا و هوا باشد، راهزنان

هوایی و هواپیما ربايان را در بر نمی‌گیرد و اگر زمین در مقابل کرات دیگر مراد باشد، عده ای را که به آنجا راه می‌یابند و مفسد می‌شوند شامل نمی‌گردد.

بر این پایه، «فی الارض» قید غالبی است و مراد از آن، مکان زندگی انسان هاست در هر نقطه از نظام کیهانی باشد تفاوت نمی‌کند. (جوادى آملی، تسنیم، ۱۳۷۸ ش)

در نهایت محقق شاهرودی (ره) بیان داشتند که افساد فی الارض به جهت تحقق، باید مشتمل بر عملکردی از سوی فاسد باشد که در نتیجه آن عمل، زمین صلاحیت خویش را برای استقرار زندگی انسان‌ها از دست بدهد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ ق)

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ «إفساد فی الأرض» را اینچنین بیان نمودند :

« ماده ۲۸۶- هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه ای که موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. »

تحریر مختصر فقهی بحث

قبل از اینکه وارد بحث اصلی که حول گستره معنوی و مصادیق افساد فی الارض می‌باشد وارد شویم باید این نکته را یادآور شویم که مفروض بحث ما این است که از آیه ۳۳ سوره مائده جرم انگاری افساد فی الارض برداشت و نتیجه‌گیری در مقام خودش، شده است و با این مفروض ما وارد بحث گستره معنوی می‌خواهیم شویم لکن از باب یادآوری نکاتی از آن بحث را عرض می‌کنیم.

یکی از مهمترین بحث‌ها ذیل عنوان افساد فی الارض، بحث از گستره معنوی آن است. اهمیت آن بدیل دلیل است که اگر دایره آن مضیق شود خیلی از عناوین از تحت آن خارج می‌شود و مجازات مفسد فی الارض بر آن صدق نمی‌کند و کار برای ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سخت می‌شود لکن اگر گستره معنوی آن با توسعه ای که مد نظر قانون گذار بوده با استنادات فقهی به اثبات برسد این خلأ علمی حل می‌شود و شبهه ای باقی نمی‌ماند.

یکی از مهمترین استنادات فقهی برای اثبات جواز قتل مفسد فی الارض آیه ۳۲ سوره مائده (مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا)

بعضی از فقها به نکته ای اشاره دارند و آن این است که اختصاص داشتن معنای فساد به مواردی که تجاوز و قتل و غارت، آشکار و مشهور و گسترده و شایع میان مردم باشد، نادرست است، بلکه تجاوز به حقوق یک نفر نیز اگر به گونه‌ای باشد که موجب اخلاص در امنیت محل شود، مصداق «فساد در زمین» خواهد بود. آری در صدق عنوان «فساد در زمین» شرط است که تجاوز جنبه شخصی نداشته باشد و متوجه شخصی معین و از روی دشمنی شخصی با او نباشد، بلکه تجاوز باید متوجه همه ساکنان یک محل بوده اگر چه فقط در مورد یک نفر عملی شده باشد. اگر مراد از شیوع یا آشکارا بودن تجاوز، عمومیت داشتن آن بدین معنا باشد، بلی چنین

عمومیتی در صدق «فساد در زمین» معتبر است، زیرا در غیر از چنین حالتی، اضافه فساد به زمین، مناسبت ندارد، از این رو به ناچار فساد باید بدین معنا جنبه عمومی داشته باشد تا مصداق فساد در زمین واقع شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ ق)

برای بررسی معنای افساد فی الارض می بایست به بررسی دقیق ظهور "افساد فی الارض" پرداخت و کاوشی عمیق نمود که آیا در مجموعه آیات قرآن کریم و روایات ذیل آنها، نسبت به معنی افساد فی الارض اقتضای به موارد امنیتی شده است یا معنی مطلق و گسترده ای برای آن مد نظر است؟

تحلیل دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی در مورد "فساد"

لفظ "فساد" چه به صورت مستقل و چه با قید "فی الارض" در آیات و روایات متعددی به کار رفته است. مفسران و صاحب‌نظران با توجه به قرائن موجود در جملات، معانی گوناگونی از این لفظ استنباط کرده‌اند.

با توجه به تعاریف ارائه شده در علم منطق، می‌توان این معانی را در دو دسته مفاهیم و مصادیق دسته‌بندی کرد. مفهوم، تصویری است که در ذهن نقش می‌بندد و مصداق، چیزی است که مفهوم بر آن صدق می‌کند. در این پژوهش، "افساد فی الارض" را می‌توان مفهوم و "مفسد فی الارض" را مصداق دانست.

مفهوم "فساد" همان "معنی" است که به شکل تصور در ذهن ما نقش می‌بندد. با توجه به فحوای کلام و قرائن جملاتی که لفظ "فساد" در آنها به کار رفته است، مفاهیم و معانی مختلفی از این لفظ استنباط شده است.

مفاهیم

با بررسی تعدادی آیات و روایات ذیل این آیات^۱، دسته‌بندی آن‌ها بدین شکل است :

بعد امنیتی

بعضی از آیاتی که پیرامون افساد فی الارض بیان نمودند، جهت امنیتی را مدنظر دارند که از این قرار است :

آیه ۱۱ سوره بقره: إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

آیه ۲۷ سوره بقره: الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

آیه ۳۲ سوره مائده : وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

آیه ۳۳ سوره مائده : إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

^۱ به علت مضیق بودن مقاله، همه آیات در این وجیزه مطرح نشد.

آیه ۸۵ سوره اعراف: وَ إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آیه ۷۳ سوره یوسف: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا كُنَّا سَارِقِينَ

آیه ۴ سوره اسراء: وَ قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلَنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا

آیه ۴ سوره قصص: إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

در آیات فوق با توجه به نظر مفسرین شیعه و اهل سنت و همچنین روایات تفسیری که در ذیل این آیات نقل شده است، ناظر به مسائل سیاسی امنیتی هستند. ذیل آیات فوق که بیشتر جنبه امنیتی آنها مد نظر مفسرین بوده است چند مفهوم بیان شده است:

- ۱- ایجاد فتنه داخلی و جاسوسی (حق، ۱۲۰۰ق؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش)
- ۲- اختلال نظامی و هرج و مرج (موسوی خمینی، ۱۴۱۸ق)
- ۳- توطئه علیه نظام اسلامی (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۷۸ش)
- ۴- قتل و تهدید (سبزواری، ۱۴۱۹ق؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق؛ محلی & سیوطی، ۱۴۱۶ق؛ حویزی، ۱۴۱۵ق؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق)، بغی (طبری، ۱۴۱۲ق)
- ۵- محاربه یا کفر، آزار رساندن به عموم مردم، نا امن کردن راهها (طوسی، بی تا؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵ش؛ ابن عربی م.، بی تا؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق؛ طبرانی، ۲۰۰۸م)
- ۶- راهزنی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۲۳ق؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق؛ طباطبایی، ۱۳۷۸ش)
- ۷- سرقت (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸ش؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق)
- ۸- قتل انبیاء (طبرسی، ۱۴۰۸ق؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق)
- ۹- تحریک مردم به عصیان (ایچی، ۱۴۲۴ق؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق)

بعد اقتصادی

بعضی از آیاتی که پیرامون افساد فی الارض بیان نمودند، جهت اقتصادی را مدنظر دارند که از این قرار است:

آیه ۶۰ سوره بقره: وَ اِذَا اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اِنْسَانٍ مَّشْرَبَهُمْ كَلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ

آیه ۲۰۵ سوره بقره: وَ اِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ

آیه ۸۵ سوره هود: وَ يَا قَوْمِ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

آیه ۹۴ سوره كهف: قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا

آیه ۱۸۳ سوره شعراء: وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

آیه ۸۳ سوره قصص: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

آیه ۲۲ سوره محمد: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

آیه ۲۲ سوره محمد: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

آیه ۳۶ سوره عنکبوت: وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

آیه ۴۱ سوره روم: ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

در آیات متعددی از قرآن کریم به مفاهیم اقتصادی مختلفی اشاره شده است که مفسران شیعه و سنی در ذیل آنها تفاسیر و روایات متعددی نقل کرده‌اند. در این میان، برخی از آیات به طور خاص ناظر به مسائل اقتصادی هستند و مفسران آنها را در زمره آیات الاحکام به شمار آورده‌اند.

۱. نزاع بر سر بهره برداری از آب (فخر رازی، ۱۴۲۰ق)
۲. نابودی کشاورزی، دامداری، صنعت (طوسی، بی تا؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸ش؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۲۳ق؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق؛ عیاشی ۱۳۸۰ق؛ حویزی ۱۴۱۵ق؛ فیض کاشانی ۱۴۱۵ق؛ مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ق؛ سمرقندی ۱۴۱۶ق)
۳. کم فروشی (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۸ش)
۴. صرف مال در معصیت الهی و اخذ مال از طریق نامشروع (سمرقندی، ۱۴۱۶ق)
۵. رشوه، قطع رحم (طبرسی، ۱۴۲۸ق؛ حجازی، ۱۴۱۳ق)
۶. کم فروشی (حقی، ۱۲۰۰ق؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق)
۷. قحطی (طبرسی، ۱۴۰۸ق)

بعد اخلاقی تربیتی

بعضی از آیاتی که پیرامون افساد فی الارض بیان نمودند، جهت اخلاقی تربیتی را مدنظر دارند که از این قرار است :

آیه ۳۰ سوره بقره: وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

آیه ۴۸ سوره نمل: وَ كَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ

آیه ۴ سوره قصص: إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدِّعِ ابْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

آیه ۸۳ سوره قصص: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

در آیات متعددی از قرآن کریم به مفاهیم اخلاقی تربیتی مختلفی اشاره شده است که مفسران شیعه و سنی در ذیل آنها تفاسیر و روایات متعددی نقل کرده‌اند. در این میان، برخی از آیات به طور خاص ناظر به مسائل اخلاقی تربیتی هستند و مفسران آنها را در زمره آیات الاحکام به شمار آورده‌اند.

۱. افعال حیوانی (طباطبایی، ۱۳۷۸ش؛ ابن عربی، بی تا)
۲. پیگیری عیوب مردم و فاش کردن آنها (قرطبی، ۱۳۶۴ش)
۳. معصیت و زورگویی (قرطبی، ۱۳۶۴ش)، تکبر، زورگویی و طغیان (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق؛ سمعانی، ۲۰۱۰م)
۴. زن بارگی (قمی، ۱۴۰۴ق)
۵. معاصی (طوسی، بی تا)
۶. علو خواهی (طباطبایی، ۱۳۷۸ش)
۷. فخر فروشی فرعون، اخذ مال مردم به ناحق (ایچی، ۱۴۲۴ق)

بعد دینی اعتقادی

بعضی از آیاتی که پیرامون افساد فی الارض بیان نمودند، جهت دینی اعتقادی را مدنظر دارند که از این قرار است:

آیه ۶۴ سوره مائده: وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

آیه ۷۳ سوره انفال: وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ

آیه ۲۵ سوره رعد: وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

سوره نحل آیه ۸۸: الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

در آیات متعددی از قرآن کریم به مفاهیم دینی اعتقادی مختلفی اشاره شده است که مفسران شیعه و سنی در ذیل آنها تفاسیر و روایات متعددی نقل کرده‌اند. در این میان، برخی از آیات به طور خاص ناظر به مسائل دینی اعتقادی هستند و مفسران آنها را در زمره آیات الاحکام به شمار آورده‌اند.

۱. تکذیب انبیاء، مخالفت با دستوره‌های دینی، تلاش در راه محو نمودن نام نشانه پیامبر از کتب الهی توسط یهود (طبرسی، ۱۴۰۸ق)
۲. شرک به خدا (ایچی، ۱۴۲۴ق؛ طبرانی، ۲۰۰۸م؛ حجازی، ۱۴۱۳ق؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق؛ نسفی، ۱۴۱۶ق)
۳. ضعف ایمان (طبرسی، ۱۴۰۸ق)
۴. افتادن جوانان در مشکلات اخلاقی (حویزی، ۱۴۱۵ق؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق)
۵. کفر، شرک، دعوت به غیر خدا (حجازی، ۱۴۱۳ق)
۶. اضلال مردم (دمهنوری، ۱۳۵۰ق؛ طبری، ۱۴۱۲ق)
۷. انکار کتاب خدا و احکام آن، رویگردانی از پیامبر خدا، کفر (طبری، ۱۴۱۲ق؛ طبرانی، ۲۰۰۸م)
۸. سد و جلوگیری از راه خدا (طباطبایی، ۱۳۹۳ق؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق؛ الثعلبی، ۱۴۲۲م؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق)

۹. اعراض از دین خدا (طبرسی، ۱۴۰۸ ق)
۱۰. نفی نبوت پیامبر، تکذیب او (طبری، ۱۴۱۲ ق)
۱۱. تضییع فرائض، شک در دین خدا (ایچی، ۱۴۲۴ ق)

مصادیق

مفهوم "مفسد فی الارض" در قرآن کریم، تنها به افراد شرور و قانون‌شکن محدود نمی‌شود، بلکه شامل کسانی نیز می‌شود که با اعمال خود، به جامعه، محیط زیست و امنیت روانی مردم آسیب می‌رسانند.

در حالی که همه کسانی که مفاهیم ارائه شده در مبحث قبل را به عمل در می‌آورند، "مفسد فی الارض" محسوب نمی‌شوند، تفاسیر متعددی از این مفهوم ارائه شده است که بر اساس آنها، افرادی که مرتکب جرایم و گناهان خاصی می‌شوند، در این دسته قرار می‌گیرند.

به فرض پذیرش صحت این تفاسیر، می‌توان نتیجه گرفت که مفاهیمی مانند اخلاق گران امنیتی و اقتصادی و ... یا حداقل یکی از این مفاهیم در حد وسیع، در وجود افرادی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، مصداق پیدا می‌کند.

مجرمین امنیتی

آیه ۷۳ سوره یوسف به صراحت، سرقت را با "فساد فی الارض" هم‌ردیف دانسته است. در ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سرقت به عنوان ربودن مال متعلق به غیر تعریف شده است. در این آیه، برادران یوسف که به دروغ به او تهمت زده بودند، در پاسخ به یعقوب نبی می‌گویند: "به خدا سوگند، خودتان می‌دانید که ما به قصد تباهی و فساد این جا نیامده‌ایم و ما دزد نیستیم." (یوسف: ۷۳)

مفسران معتقدند که هم‌نشینی سرقت با فساد در این آیه، نشان‌دهنده جایگاه خطیر سرقت در ایجاد فساد در زمین است. (آلوسی، بی تا، ۲۶:۷)

کم فروشی و عدم صداقت در معاملات به عنوان "فساد فی الارض":

آیه ۸۵ سوره هود، صراحتاً کم فروشی و عدم صداقت در معاملات را "فساد فی الارض" می‌داند. در این آیه، خداوند به قوم هود خطاب می‌کند و می‌فرماید: "ای قوم! در وزن کردن انصاف را رعایت کنید و از اجناسی که به مردم می‌فروشید کم نگذارید و نیز در روی زمین به خیانت و فساد اقدام نکنید." (هود: ۸۵)

مفسران این آیه را دلیلی بر حرمت کم فروشی و عدم صداقت در معاملات می‌دانند و آن را مصداقی از "فساد فی الارض" تلقی می‌کنند. (صادقی تهرانی، ۱۳۷۸؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۷۴ ش)

راهزنی و ناامن کردن راه‌ها به عنوان "فساد فی الارض":

در روایات و تفاسیر اسلامی، راهزنی و ناامن کردن راه‌ها نیز به عنوان "فساد فی الارض" معرفی شده است. در این منابع، به آیه ۳۴ سوره مائده و آیه ۵۹ سوره انفال اشاره شده که در آنها خداوند متعال با قاطعیت با راهزنان و متجاوزان به راه‌ها برخورد می‌کند.

بسیاری از مفسرین یکی از مصادیق واضح افساد را راهزنی می‌دانند که در مباحث قبل اشاره شد.

در قانون مجازات اسلامی، سرقت، کم فروشی و عدم صداقت در معاملات و راهزنی و ناامن کردن راهها به عنوان مصادیق "فساد فی الارض" تلقی شده‌اند. این جرایم به دلیل ایجاد ناامنی، ظلم و تباهی در جامعه، از جمله جرایم سنگین محسوب می‌شوند و مجازات‌های سختی برای آنها در نظر گرفته شده است.

مجرمین اقتصادی

برخلاف تصور رایج، "مفسد فی الارض" فقط شامل مجرمان اقتصادی به معنای متعارف آن در قوانین امروزی نمی‌شود.

بلکه هر نوع رفتاری که منجر به ضرر و زیان اقتصادی به افراد یا جامعه شود و در شرع مقدس برای آن مجازاتی اعم از دنیوی یا اخروی در نظر گرفته شده باشد، در این دایره قرار می‌گیرد.

مصادیق "مفسد فی الارض" در عصر حاضر:

تجاوز به اموال یتیمان:

آیه ۲۲۰ سوره بقره به صراحت، خیانت به مال یتیمان را فساد می‌داند.

در روایات نیز بر حرمت این عمل تأکید شده است.

در عصر حاضر، سوء استفاده از اموال یتیمان در برخی نهادها و توسط سرپرستان قانونی، مصداق بارز "مفسد فی الارض" است.

کم فروشی و خیانت در معاملات:

آیه ۳۶ سوره عنکبوت، حضرت شعیب را به دعوت مردم به پرهیز از فساد در زمین، از جمله کم فروشی و خیانت در معاملات، مأمور می‌کند.

در عصر حاضر، احتکار، گرانفروشی، عدم صداقت در ارائه خدمات و... مصادیقی از "مفسد فی الارض" در حوزه اقتصاد هستند.

اسراف:

آیات متعددی در قرآن کریم، اسراف را مذمت کرده و آن را با فساد در زمین مرتبط دانسته‌اند.

در عصر حاضر، اسراف در مصرف منابع طبیعی، آب، انرژی و... نه تنها ضربه به اقتصاد جامعه می‌زند، بلکه به محیط زیست نیز آسیب می‌رساند.

اسراف کنندگان در این زمینه، مصداق "مفسد فی الارض" هستند.

سوء استفاده از قدرت و ثروت:

اشراف و ثروتمندان در برخی جوامع، با استفاده از قدرت و نفوذ خود، به چپاول بیت‌المال و اموال عمومی می‌پردازند.

این عمل، مصداق بارز ظلم و فساد در زمین است و در قرآن کریم به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

این افراد، نمونه‌هایی از "مفسد فی الارض" در عصر حاضر هستند.

در نتیجه با توجه به آیات و روایات، مفهوم "مفسد فی الارض" بسیار فراتر از مجرمان اقتصادی به معنای متعارف آن است.

هر نوع رفتاری که منجر به ضرر و زیان اقتصادی به افراد یا جامعه شود و در شرع مقدس برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده باشد، در این دایره قرار می‌گیرد.

اشراف و قدرتمندانی که با ظلم و ستم و سوءاستفاده از قدرت خود، به چپاول بیت‌المال می‌پردازند، از مصادیق بارز "مفسد فی الارض" در عصر حاضر هستند.

اخلال گران فرهنگ و اخلاق

در آیات مختلفی از قرآن، اخلال گران عرصه فرهنگ و اخلاق را، مفسد فی الارض می‌خواند. ضربه ای که اخلال گر در این زمینه به پیکره اجتماع می‌زند، طوری است که آسیب آن به شرط مبارزه با آن، تا مدت‌ها بر پیکره امت اسلامی باقی می‌ماند.

از جمله آن موارد می‌توان به تاسیس مراکز فساد و فحشا و پخش کنندگان فیلم‌های مستهجن می‌باشد. (مدرسی یزدی، ۱۳۷۸ش)

این مطلب را به طور مثال در آیات : ۳۰ بقره، ۴۸ نمل و ۸۳ می‌توان به وضوح مشاهده نمود که در مباحث قبل اشاره شد.

اخلال گران عرصه دین و عقیده

در آیات بسیاری از اخلال گران در عرصه دین و عقیده صحبت به میان آمده است. دین و عقیده مطلبی است که بر بسیاری از شئون انسان تاثیر می‌گذارد. توضیح آنکه اگر انسانی، عقیده فاسد داشت، می‌تواند بسیاری از جرائم را مرتکب شود بدون اینکه دغدغه اخروی داشته باشد.

از جمله آیاتی که می‌توان به آن در این زمینه اشاره نمود : ۶۴ ملئده، ۷۳ انفال، ۲۵ رعد و ۸۸ نحل که در مباحث قبل کلام مفسرین ذیل این آیات بیان شد.

نتیجه

آیات زیادی در قرآن وجود دارد که ماده ف س د در آن استفاده شده است که بالغ بر ۵۰ آیه می‌باشد. این ماده به معنای ضد صلاح است. در بیشتر آیات به همراه قید فی الارض مطرح شده است. برای اینکه بتوان از آیات افساد برای اثبات گستردگی معنوی آن نسبت به جرائم امنیتی استفاده نمود باید ظهور آیات افساد را بررسی نمود. بدین منظور با مطالعه دقیق آیات آنها را به چهار دسته :

- (۱) آیات افساد ناظر به مسائل اقتصادی که به عناوینی همچون نزاع بر سر بهره برداری از آب، نابودی کشاورزی، دامداری، صنعت، کم فروشی، صرف مال در معصیت الهی و اخذ مال از طریق نامشروع، رشوه، قطع رحم، کم فروشی، قحطی پرداخته اند.
 - (۲) آیات افساد ناظر به مسائل سیاسی-امنیتی که به مطالبی همچون ایجاد فتنه داخلی و جاسوسی، اختلال نظامی و هرج و مرج، توطئه علیه نظام اسلامی، قتل و تهدید پرداخت.
 - (۳) آیات افساد ناظر به مسائل اخلاقی-تربیتی که به عناوینی چون افعال حیوانی، پیگیری عیوب مردم و فاش کردن آنها، تکبر، زورگویی و طغیان، زن بارگی، معاصی، علو خواهی، فخر فروشی فرعون، اخذ مال مردم به ناحق پرداخته اند.
 - (۴) آیات افساد ناظر به مسائل اعتقادی که به عناوین همچون تکذیب انبیاء، مخالفت با دستورهای دینی، تلاش در راه محو نمودن نام نشانه پیامبر از کتب الهی توسط یهود، شرک به خدا، ضعف ایمان، افتادن جوانان در مشکلات اخلاقی، کفر، شرک، دعوت به غیر خدا، اضلال مردم، انکار کتاب خدا و احکام آن، رویگردانی از پیامبر خدا، کفر، سد و جلوگیری از راه خدا، اعراض از دین خدا، نفی نبوت پیامبر، تکذیب او، تضییع فرائض، شک در دین خدا پرداخته است.
- بعد از اثبات این مطلب مصادیق آنها بدین صورت شد که شامل: اخلال گران عرصه اقتصادی، سیاسی-امنیتی، اخلاقی-تربیتی و اعتقادی شد.

با توجه به اینکه ظهور افساد در آیات قرآن و روایات تفسیری نقل شده در ذیل آیات از ائمه معصومین (علیهم السلام) به این نتیجه می‌رسیم که افساد فی الارض ظهوری اعم از مسائل امنیتی و غیرامنیتی دارد.

فهرست منابع

قرآن

- نعمه الله بن محمود شیخ علوان. (۱۹۹۹م). الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة. قاهره-مصر.
- ابن منظور. (۱۴۰۸ ق). لسان العرب. بیروت - لبنان.
- ابوالفیض بن مبارک فیضی. (۱۴۱۷ق). سواطع الإلهام فی تفسیر کلام الملک العلام. بی جا: سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی.
- ابوالقاسم خوئی. (۱۴۰۷ق). التنقیح (الطهارة). قم-ایران.
- ابوبکر محمد بن عبدالله ابن عربی. (۱۴۰۸ق). احکام القرآن. بیروت-لبنان: دارالجلیل.
- ابوزید دهنوری. (۱۳۵۰ق). الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قاهره-مصر.
- احمد بن محمد الثعلبی. (۱۴۲۲م). الكشف و البیان. بیروت-لبنان.
- احمد بن محمود سیواسی. (۱۴۲۷ق). عیون التفاسیر للفضلاء السماسیر. بیروت-لبنان.
- زهري، م. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت - لبنان.
- اسماعیل بن عمر ابن کثیر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت-لبنان.
- اسماعیل بن مصطفی حقی. (۱۲۰۰ق). روح البیان. بیروت - لبنان.
- جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر سیوطی. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم-ایران: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).

- جواد بن سعید فاضل جواد. (۱۳۶۵ش). مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام. تهران-ایران.
- حسینعلی بای. (۱۳۸۵). افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟ حقوق اسلامی، ۲۸.
- راغب اصفهانی. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت - لبنان.
- روح الله خمینی. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران-ایران.
- سلیمان بن احمد طبرانی. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر. ارد-اردن.
- سید محمدرضا گلپایگانی. (۱۳۷۲ش). الدر المنضود فی احکام الحدود. قم-ایران: دار القرآن الکریم.
- سید محمدرضا مدرسی یزدی. (۱۳۷۸). پژوهشی در مفهوم و حکم مفسد فی الاض. حکومت اسلامی، ۱.
- سید مصطفی موسوی خمینی. (۱۴۱۸ق). تفسیر القرآن الکریم. تهران - ایران.
- سید هاشم بحرانی. (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن. قم-ایران: مؤسسه البعثه.
- عبدالرحمن بن محمد ثعالبی. (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- عبدالعلی بن جمعه عروسی حویزی. (۱۴۱۵ق). نورالثقلین. قم-ایران: اسماعیلیان.
- عبدالقادر آل غازی. (۱۳۸۲ق). بیان المعانی. دمشق-سوریه: الترقی.
- عبدالله بن احمد نسفی. (۱۴۱۶ق). تفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقائق التأویل). بیروت-لبنان: دار النفائس.
- عبدالله بن محمد ابن ابی حاتم. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض-عربستان.
- عبدالله بن محمد دینوری. (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت-لبنان: دار الکتب العلمیه.
- عبدالله بن مسلم ابن قتیبہ دینوری. (۱۴۲۳ق). تأویل مشکل القرآن. بیروت-لبنان.
- عبدالله جوادی آملی. (۱۳۷۸ش). تسنیم. قم - ایران.
- عبدالله جوادی آملی. (۱۳۷۸ش). تسنیم. قم-ایران.
- عبید الله بن عبدالله حسان. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل. تهران-ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علی بن ابراهیم قمی. (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. قم-ایران.
- علی بن احمد واحدی. (۱۴۱۵ق). الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت-لبنان.
- علی بن محمد ماوردی. (بی تا). النکت و العیون. بیروت-لبنان.
- فتح الله بن شکر الله کاشانی. (۱۳۳۶ش). منهج الصادقین. تهران - ایران.
- فراهیدی، خ. (۱۴۰۹ق). العین. قم - ایران.
- فضل بن حسن طبرسی. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان. بیروت - لبنان.

- فضل بن حسن طبرسی. (۱۴۲۸ ق). جوامع الجامع. قم - ایران.
- مجموعه مولفین. (بی تا). الموسوعة الفقهية الكويتية. کویت: دارالسلاسل؛ دار الصفوة.
- محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی. (۱۳۶۶ ش). تفسیر القرآن الکریم. قم-ایران.
- محمد بن احمد قرطبی. (۱۳۶۴ ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران-ایران.
- محمد بن الحسن طوسی. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان.
- محمد بن جریر بن یزید طبری. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت-لبنان: دارالمعرفة.
- محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی. (۱۴۱۵ ق). تفسیر الصافی. تهران-ایران.
- محمد بن علی اشکوری. (۱۳۷۳ ش). تفسیر شریف لاهیجی. تهران-ایران: دفتر نشر داد.
- محمد بن علی بن محمد شوکانی. (۱۴۱۴ ق). فتح القدير الجامع بین فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر. دمشق-سوریه: دار ابن کثیر.
- محمد بن عمر فخر رازی. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر. بی جا.
- محمد بن محمد ابی السعود. (بی تا). تفسیر ابی السعود. بیروت-لبنان.
- محمد بن مسعود عیاشی. (۱۳۸۰ ق). التفسیر. تهران-ایران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- محمد حسین طباطبایی. (۱۳۷۸ ش). ترجمه تفسیر المیزان. قم-ایران.
- محمد حسین طباطبایی. (۱۳۹۳ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- محمد حسین فضل الله. (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. بیروت-لبنان: دارالملاک.
- محمد سبزواری. (۱۴۱۹ ق). إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن. بیروت-لبنان.
- محمد عبدالرحمن ایجی. (۱۴۲۴ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان.
- محمد فاضل موحدی لنکرانی. (۱۳۹۰ ش). آیین کیفری اسلام. قم-ایران: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- محمد قمی مشهدی. (بی تا). کنز الدقائق و بحر الغرائب. بی جا.
- محمد محمود حجازی. (۱۴۱۳ ق). التفسیر الواضح. بیروت-لبنان.
- محمد مومن قمی. (۱۴۱۵ ق). کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة. قم-ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- محمد نهاوندی. (۱۳۸۶ ش). نفحات الرحمن. قم-ایران.
- محمد نهاوندی. (۱۴۲۹ ق). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. قم-ایران.
- محمدباقر ابن محمدتقی مجلسی. (بی تا). بحار الانوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت-لبنان.
- محمدتقی مدرس. (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران-ایران: دار محبی الحسین.

- محمود بن عبدالله آلوسی. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت-لبنان.
- محمود بن عمر زمخشری. (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت-لبنان: دار الكتاب العربی.
- محمود هاشمی شاهرودی. (۱۴۱۹ق). بایسته های فقه جزا. تهران - ایران.
- محمود هاشمی شاهرودی. (۱۴۲۳ق). قراءات فقهیه معاصره. قم - ایران.
- محمود هاشمی شاهرودی. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم-ایران.
- محبی الدین ابن عربی. (بی تا). تفسیر ابن عربی. بیروت-لبنان.
- مصطفی رافعی. (۱۴۱۶ق). احکام الجرائم فی الاسلام. بیروت-لبنان: الدار الافریقیه العربیه.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت-لبنان.
- مکی بن ابی طالب حموش. (۱۴۲۹ق). الهدایه إلى بلوغ النهایه. شارجه-امارات.
- ناصر عبدالکریم العقل. (بی تا). الاسلامیه لاوهابیة. بی جا: بی نا.
- ناصر مکارم شیرازی. (۱۳۸۰ش). تفسیر نمونه. تهران-ایران: دار الکتب الإسلامیه.
- نصر بن محمد سمرقندی. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی. بیروت-لبنان.
- نعمت الله بن عبدالله جزائری. (۱۳۸۸ش). عقود المرجان. قم-ایران.
- نعمه الله بن محمود نخجوانی. (۱۹۹۹م). الفواتح الإلهیه و المفاتيح الغیبیه. قاهره-مصر: الفواتح الإلهیه و المفاتيح الغیبیه.
- وهبه زحیلی. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج. بیروت-لبنان: دار الفكر المعاصر.